

## نقد و تحلیل کتاب روش تحقیق به زبان ساده

مراد اسماعیلی\*

### چکیده

بی‌شک انتخاب روش مناسب و متناسب با تحقیق، یکی از بنیادی‌ترین اصول پژوهش علمی محسوب می‌شود و آگاهی و آشنایی با این روش‌ها و رویکردها سبب شکل‌گیری پژوهش‌های ارزشمند و قابل اعتنایی خواهد شد. روش تحقیق به زبان ساده نوشته‌ی مریم صادقی، کتابی است که در آن سعی شده است تا روش تحقیق و اصول پایان‌نامه نویسی برای دانشجویان رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی تبیین شود. نگارنده در این مقاله، به بررسی و نقد این کتاب پرداخته و برخی از امتیازات و کاستی‌های آن را برشمرده است؛ براساس یافته‌های این تحقیق، این کتاب با داشتن نکات مثبتی چون پرداختن به سؤالات تحقیق و تمرینات اختصاصی، ذکر جداول و مهم‌تر از همه، تمرکز بر رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی، کاستی‌ها و ایراداتی چون عدم تطابق عنوان با متن کتاب، بی‌توجهی به اصول ابتدایی نگارش و ویرایش، ایجازهای محل، استفاده از منابع نامعتبر و جامع نبودن برخی مطالب نیز در خود دارد که سبب می‌شود خوانندگان کتاب در بسیاری از مباحث نتوانند به کنه مطلب رسیده و بهره‌ی لازم را از آن کسب کنند.

**کلیدواژه‌ها:** روش تحقیق، تحقیق کیفی، روش تحقیق به زبان ساده، پایان‌نامه.

### ۱. مقدمه

معنای عمومی پژوهش یا تحقیق، حقیقت‌یابی است که لازمه‌ی آن نیز جستجوگری است؛ جستجو برای رفع یک ابهام، یا فهم یک پدیده، یا پی‌بردن به چگونگی یا علت وقوع یک حادثه، یا درک دلیل وجود چیزی، یا حل یک مسأله. (رضی، ۱۳۹۴: ۴) در حوزه‌ی علوم نیز تحقیقات علمی به عنوان فرایند عقلانی جواب به سؤالات یا مسأله

---

\*استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گنبد کاووس m.esmaeli21@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۹/۲

پژوهش، از سوی اندیشمندان و محققان انجام می‌شوند؛ به بیانی دیگر، تحقیق علمی به دنبال توصیف، کشف یا تبیین قواعد و مناسباتی است که بر اساس آن رویدادها و پدیده‌ها قابل تحلیل و ارزیابی باشند. (ایمان، ۱۳۹۱/الف: ۱۲) نکته‌ای که ضروری است در حوزه‌ی تحقیقات علمی توجه ویژه‌ای به آن داشت، بحث روش‌شناسی تحقیق و پژوهش است؛ اهمیت روش‌شناسی تحقیق تا آن حد است که بسیاری اصالت تحقیق علمی را به روش‌شناسی آن مرتبط می‌سازند. کلود برنار، اندیشمند فرانسوی در این باره می‌گوید: «روش خوب می‌تواند راه‌های پرورش و به کارگیری قوایی را که طبیعت به ما ارزانی داشته است، به ما بیاموزد، اما روش ضعیف ممکن است مانع بهره‌گیری مفید از این قوا شود. بدین ترتیب، نبوغ پژوهشگری که از ارزشی بس والا در علوم انسانی برخوردار است ممکن با روشی ضعیف نقصان یابد یا حتی خاموش شود، در حالی که روش خوب می‌تواند به آن بیفزاید و آن را پرورش دهد» (به نقل از بوریح، ۱۳۸۶: ۸). در توضیح روش تحقیق باید گفت، روش عبارت است از داشتن برنامه و طرح نظام‌مند برای حرکت از یک نقطه و رسیدن به هدف. در پژوهش علمی، روش عبارت است از یک برنامه‌ی منطقی منظم که اصول و تکنیک‌های تحقیق را برای رسیدن به پاسخ سؤال تحقیق، تدوین و تنظیم می‌کند. (فتوحی، ۱۳۸۵: ۲۵)

با این تفاسیر می‌توان گفت که آگاهی از روش‌های تحقیق، سبب خلق پژوهش‌ها و تحقیقات به مراتب ارزشمندتری در تمام حوزه‌های علوم انسانی خواهد شد. نکته‌ای که در بین محققان کشور ما غالباً و تا این اواخر چندان جدی گرفته نمی‌شده است و مورد غفلت واقع شده است؛ بدون هیچ شکی می‌توان ادعا کرد که یکی از ضعف‌های مبنایی روش‌شناسی علوم انسانی در کشور ما، به حوزه‌ی تحقیقات و پژوهش‌ها مربوط است که این امر، ناشی از عدم توجه به مبانی منطقی روش‌های تحقیق است. این مسأله باعث شده است که حوزه‌های مختلف علم در کشور با چالش‌های جدی در استفاده از روش‌هایی که متناسب با جامعه و حوزه‌ی مورد نظر باشد، روبرو شوند و به تبع آن، شاهد غالب شدن مشکلاتی جدی در حوزه‌ی علوم انسانی باشیم. (ایمان، ۱۳۹۱/ب: ۱)

ادبیات و حوزه‌ی ادبی، یکی از حوزه‌هایی است که به سبب کمتر پرداخته شدن به روش‌های تحقیق و عدم نگارش کتاب‌هایی که مختص این حوزه بوده و اصول و روش‌های تحقیق در این حوزه را بیان کند، آسیب‌های بسیاری دیده است.<sup>(۱)</sup> آگاهی به همین ضعف و کاستی سبب شده است که در سال‌های گذشته چند کتاب روش تحقیق برای رشته ادبیات فارسی تالیف و منتشر شود.

یکی از کتاب‌هایی که به بیان روش تحقیق در رشته‌ی ادبیات فارسی پرداخته، «روش تحقیق به زبان ساده»، تالیف خانم دکتر مریم صادقی است. جستار حاضر، به بررسی و نقد این کتاب می‌پردازد. نگارنده ابتدا به صورت اجمالی کتاب را معرفی می‌کند و سپس، برخی از امتیازات و کاستی‌های کتاب را با ذکر توضیحاتی برمی‌شمارد.

## ۲. معرفی کتاب

کتاب «روش تحقیق به زبان ساده»، تالیف مریم صادقی در سال ۱۳۹۴ در نشر نگاه معاصر و در ۱۸۰ صفحه و در پنج فصل اصلی به چاپ رسیده است. نویسنده در فصل اول به بیان «مبانی و کلیات بحروش تدوین طرحنامه یا پروپزال و...» پرداخته است. ایشان در این فصل، پس از بیان مفاهیم، مبانی و مراحل پژوهش، به بررسی آثار منتشر شده درباره‌ی روش تحقیق دست یازیده و پس از آن به صورتی مختصر از انواع پژوهش‌های ادبی سخن گفته است و در پایان فصل نیز مهم‌ترین تفاوت‌های پژوهش‌های ادبی را در گذشته و امروز برشمرده است. فصل دوم به «روش تدوین طرحنامه یا پروپزال» اختصاص یافته و نویسنده پس بیان مقدمه‌ای کوتاه، به بحث پیرامون انتخاب موضوع، روش فیش برداری، بیان مسأله، پیشینه‌ی تحقیق و... پرداخته است. «روش تنظیم و تدوین پایان نامه و طرح پژوهشی»، عنوان فصل سوم کتاب است؛ در این فصل به دو روش تنظیم پایان نامه: الف- روش مقاله‌ای ب- روش رایج در دانشگاه‌های ایران اشاره شده و در ادامه، مراحل ده‌گانه‌ی تنظیم و تدوین پایان نامه و چارچوب آن بیان شده است. فصل چهارم به «روش تدوین و تنظیم مقاله‌ی علمی - پژوهشی» اختصاص یافته که به صورتی کاملاً مختصر از مبانی مقاله‌ی علمی - پژوهشی و سپس ویژگی‌های عنوان، چکیده، مقدمه و... بحث شده است. فصل پنجم کتاب نیز، «روش ارجاعات و استنادات پژوهش» است که به شیوه‌های ارجاعات پرداخته و چند سایت پژوهشی را معرفی می‌کند.

## ۳. امتیازات کتاب

اگر خواسته باشیم به چند نمونه از امتیازات این کتاب اشاره کنیم، موارد زیر شایان توجه خواهند بود:

### ۳-۱. اهمیت دادن به سؤال و پرسش تحقیق

امروزه سؤال‌تحقیق، رکن اصلی هر پژوهش علمی به شمار می‌رود و اهمیت هر تحقیق به مسأله تحقیق و حل آن وابسته است. در حقیقت، «تحقیق بدون داشتن دستیابی به

مسأله، اصولاً آغاز نمی‌شود تا به سرانجام برسد؛ به عبارت دیگر، بدون داشتن مسأله نهایت کاری که می‌شود انجام داد، گرد آوردن و در کنار هم چیدن «اطلاعات» پراکنده است. (طاهری، ۱۳۹۵: ۱۳۹) اهمیت مسأله تحقیق تا آن حد است که می‌توان گفت «هر آن چه تحت عنوان فرایند پژوهش علمی یا فلسفی شناخته می‌شود در حقیقت، کوششی منتظم در جهت یافتن پاسخی نسبی بر پرسش مطروحه می‌باشد». (عبداللهی و جوان، ۱۳۸۹: ۱۵-۱۴)

با وجود این، بحث از مسأله تحقیق، شیوه‌های مسأله‌یابی و راه‌های اولویت بندی آن در کتاب‌هایی که پیرامون روش تحقیق در حوزه ادبیات فارسی منتشر شده‌اند، چندان مورد توجه قرار نگرفته‌اند. از این روی، تلاش نویسنده‌ی این کتاب در پرداختن به این امر و مطرح کردن اهمیت سؤال تحقیق - هر چند کوتاه - در ابتدای کتاب و درون هر فصل و تأکید بر آن یکی از نکات مثبت کتاب می‌باشد.

### ۲-۳. آوردن تمرین در پایان هر مبحث

در آثاری که به هدف آموزش نوشته می‌شوند باید همه‌ی بخش‌ها به گونه‌ای گزینش و چیده شوند که پیوسته و لاینقطع، آموزنده را گام به گام در رسیدن به آن هدف یاری کنند (میمندی و خبازی اشرف، ۱۳۹۴: ۱۸۰). موضوعی که در کتاب مورد بررسی به آن توجه شده است؛ در توضیح این مطلب باید گفت از آنجایی که هدف از نگارش این کتاب، آماده کردن دانشجویان برای انجام تحقیق و پژوهش است، نویسنده می‌بایست به شیوه‌ای عملی این امر را محقق سازد. برای تحقق این مسأله بیش‌ترین بار بر تمرینات حاضر در کتاب حمل گردیده است. در حقیقت، یکی از امتیازات این کتاب، آوردن تمرین‌های متعدد و مرتبط در پایان هر مبحث است که سبب می‌شود دانشجویان به صورت عملی به چالش کشیده شوند. برای مثال در بحث از فیش برداری و قبل از به موضوع بعد، تعیین چارچوب نظری، این تمرینات آورده می‌شود:

«تمرین:

- مقاله و ۳ کتاب دیگر درباره‌ی موضوع «هنجارشکنی» مطالعه نمایید  
- برای هر یک از مقالات و کتاب‌های خوانده شده فیش‌هایی تهیه کنید. (برطبق موازین بیان شده)

- موازین چهارگانه‌ی فیش‌برداری کلی (بیان مسأله، اهداف نویسنده و ...) را همراه با مآخذ آن‌ها از کتاب‌ها یادداشت نمایید.

- مشخص کنید: آیا پرسشی که در آغاز مطرح کرده‌اید، نظر شما را تامین می‌کند و اشکالی ندارد؟» (صادقی، ۱۳۹۴: ۷۴)

### ۳-۳. ذکر و بررسی جداول

یکی از ابزارهایی که در برخی از کتاب‌ها جهت تفهیم و و تأکید هرچه بیشتر مطالب، از سوی نویسندگان مورد استفاده قرار می‌گیرد، استفاده از جدول‌هایی است که نمونه‌هایی از مطالب گفته شده در متن کتاب، در آن‌ها آمده است. امری که در این کتاب نیز به خوبی مورد استفاده قرار گرفته است و سبب ذخیره‌سازی و استحکام هرچه بیشتر مطالب در ذهن مخاطبان می‌گردد.

### ۳-۴. تمرکز بر رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

اگرچه میزان روزآمدی و اطلاعات نویسنده در این کتاب، از جهت ارجاع به منابع جدید و خصوصاً منابع لاتین نسبتاً ضعیف است، اما به نظر می‌رسد برای جامعه‌ی ادبی ایران و رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی کتابی مغتنم و روزآمد است. در واقع، تمرکز نویسنده بر رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی و آوردن مثال‌ها، پرسش‌ها و ... از این حوزه، یکی از محاسن اساسی و درخور توجه این کتاب است. برای روشن‌تر شدن این مطلب، بخشی از اثر ذکر می‌شود که در آن مثال‌ها و سوالاتی مطرح می‌شود:

«برآورد حجم نمونه: پس از توضیحات بالا، اکنون اصطلاح حجم نمونه کاملاً روشن است. حجم نمونه آن مقدار از جامعه‌ی آماری است که شما در پژوهش خود بررسی می‌کنید برای مثال در موضوع جنگ یا صلح در شعر شاعران، شما باید جامعه‌ی آماری را با دقت انتخاب کنید و دلایل آن را برشمارید سپس از میان این آثار، حجم قابل قبولی را با ذکر دلیل برگزینید این «حجم نمونه»ی پژوهش شما خواهد بود که با جامعه‌ی آماری شما متناسب است. برای مثال اگر پژوهشی در مثنوی مولوی انجام می‌دهید باید حتماً ذکر کنید کدام دفتر یا دفترها؟ و چرا و چه مقدار؟ به بیانی دیگر اگر فقط حجم نمونه‌ی شما کمتر از دو سوم ابیات مثنوی است و یا دفتر مورد نظر پژوهش است نمی‌توانید نتیجه بگیرید که در مثنوی چنین است. زیرا حجم نمونه‌ی شما فقط دربردارنده‌ی تعداد کمی از ابیات است که البته نسبت به کل جامعه‌ی مورد نظر، بسیار کم و اندک است و نتیجه‌ی شما فقط در آن محدوده قابل قبول و البته غیر علمی است. و باید گفت که اغلب، این نکته در اکثر پژوهش‌ها رعایت نمی‌شود برای مثال در

پژوهشی که فقط داستان رستم و سهراب بررسی شده، پژوهش‌گر، نتیجه و فرضیه‌ی خود را به کل شاهنامه تعمیم داده نتیجه گرفته که شاهنامه چنین و چنان است. اما در مورد پژوهش‌های فولکلوریک هم باید گفت اگرچه میدانی است و سپس به طریق اسنادی انجام می‌شود باز هم نکات گفته شده در مورد جامعه‌ی آماری و حجم نمونه صادق است. برای مثال اگر شما در مورد گویش و یا لهجه و یا افسانه و قصه-های قوم و یا منطقه‌ای پژوهش می‌کنید جامعه‌ی آماری شما باید حتماً افراد آن منطقه باشند و حجم نمونه‌ی شما نیز از میان آن‌ها انتخاب و با ذکر دلیل شرح داده شود.» (صادقی، ۱۳۹۴: ۵۵-۵۶)

### ۳-۵. پرداختن به نکات جزئی مورد نیاز

نویسنده‌ی کتاب در برخی موارد به توضیح جزئیاتی پرداخته که ممکن است از نظر بسیاری از آشنایان به روش تحقیق، چندان نیازی به بیان آن‌ها نباشد؛ اما از آنجایی که مخاطبان این کتاب، دانشجویان رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی بوده که به دنبال یادگیری روش صحیح پایان‌نامه و مقاله‌نویسی هستند، این امر کاملاً ضروری به نظر می‌رسد. برای بیان مثال، نویسنده در بیان «تدوین طرح‌نامه»، پس از برشمردن ده مورد از مواردی که باید برای انجام پژوهش مشخص باشند، به بررسی و توضیح هر یک از این موارد دست‌یازیده است و یا در مبحث شیوه‌های ارجاع‌دهی، به صورت جداگانه به ذکر ارجاع کتاب در منابع، ارجاع مقاله در منابع، ارجاع پایان‌نامه و رساله در منابع و ارجاع به منابع الکترونیکی (اینترنت) پرداخته‌است که یک مورد از آن‌ها آورده می‌شود:

«ارجاع مقاله در منابع:

برای ارجاع به مقاله‌هایی که در مجله‌های علمی - تخصصی به چاپ می‌رسند، ابتدا نام مؤلف یا مؤلفان، پس از آن تاریخ انتشار اثر، بعد عنوان مقاله و به دنبال آن، نام مجله و شماره‌ی آن ذکر می‌شود؛ سپس شماره‌ی صفحات آن مقاله در آن مجله با حروف مخفف صص در فارسی و pp در انگلیسی آورده می‌شود.» (صادقی، ۱۳۹۴: ۱۳۲)

### ۴. کاستی‌های کتاب

کتاب «روش تحقیق به زبان ساده» ضعف‌هایی نیز دارد که از نگاه خوانندگان خود و پنهان نمی‌ماند. مهم‌ترین این کاستی‌ها عبارتند از:

#### ۴-۱. بی‌توجهی به قواعد عمومی نگارش و ویرایش

از آن‌جایی که موضوع این کتاب، بیان روش تحقیق در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی است، ضروری می‌نماید که نویسنده اهتمام ویژه‌ای به نکات نگارشی و ویرایشی داشته باشد. اما با کمال تأسف باید گفت که کتاب دارای اشکالات نگارشی و ویرایشی فراوانی است تا آنجا که در کمتر جایی از کتاب، شاهد استفاده از علائم ویرایش و سجاوندی هستیم و در مواردی دیده می‌شود که در تمام صفحه فقط یک و یا دو علامت - مثل نقطه و کاما - وجود دارد و یا موارد بسیاری که یک واژه، حرف، قید و... در یک پاراگراف چندین بار تکرار می‌شود. در ادامه، به سبب محدودیت این جستار به بیان دو نمونه از این کاستی‌ها بسنده می‌شود:

«پژوهش‌های تاریخی و تاریخ ادبیاتی به منظور شناساندن شاعران و نویسندگان ایرانی و فارسی زبان و ایجاد پیوند میان خواننده‌ی امروز با متن‌ها و نویسندگان قرن‌های پیشین که البته خود دلایل دیگری مانند احیای مواریت و حس ایرانی‌گرایی و ناسیونالیستی و معرفی ایران به عنوان مرکز تمدن دنیای قدیم و غیره هم در آن دخالت داشت انجام شد شاید به همین دلیل کمتر با آثار معاصران (شعر و رمان) خود دمساز شدند زیرا عقیده داشتند که باید زمینه‌های فرهنگی ایران را از دوره‌های نخست آن بشناسیم تا به دوران معاصر برسیم و نوع دوم و عمده‌ی پژوهش‌های نسل اول پژوهش‌های تصحیح و تعلیق بر متن است - گرچه اغلب تصحیحات و تعلیقات آن‌ها به وسیله‌ی دیگران اصلاح و یا تغییر کرد- به منظور آشنایی با آثار از طرق متن خوانی درست.» (صادقی، ۱۳۹۴: ۳۲)

و یا:

«در رشته‌ی ادبیات فارسی چندین متن تاریخی در مقاطع مختلف تدریس می‌شود و لذا متون متون تاریخی از منابع و مراجع این رشته هم به شمار می‌آید لذا پژوهش‌های تاریخی می‌تواند در ردیف محورهای مهم پژوهشی این حوزه باشد ولی این متون برطبق روش‌های علمی کمتر مورد بررسی قرار گرفته و معمولاً مسائلی با آن آمیخته شده و متن را از حالت متن تاریخی بیرون برده است لذا لازم است پژوهش‌های تاریخ در رشته‌ی ادبیات فارسی با توجه به توجه به تاریخ و ویژگی‌های تاریخی متن صورت گیرد و نه ویژگی‌های ادبی صرف.» (همان: ۹۰)

#### ۴-۲. تناسب نداشتن عنوان با متن کتاب

یکی از اشکالات اساسی این کتاب، ناهماهنگی عنوان و متن کتاب است؛ کتاب حاضر بیشتر از آن‌که روش تحقیق و پژوهش باشد، به توضیح روش نگارش پژوهش علمی، اعم از پروپزال، پایان‌نامه و مقاله علمی - پژوهشی، پرداخته و بحث چندانی پیرامون روش‌های پژوهش علمی - آن گونه که در کتاب‌های روش تحقیق آورده می‌شود - به دست نداده است. با نگاهی به فهرست کتابی‌توان به این نتیجه رسید که اگر به جای عنوان «روش تحقیق به زبان ساده»، عنوانی مثل «شیوه‌ی پروپزال نویسی به زبان ساده» و یا «روش پایان‌نامه نویسی به زبان ساده» برای کتاب انتخاب می‌شد، شاید مناسب‌تر نیز می‌بود؛ چرا که در فصل اول: مبانی و کلیات بحث روش تدوین طرح‌نامه و پروپزال، فصل دوم: روش تدوین طرح‌نامه یا پروپزال، فصل سوم: روش تنظیم و تدوین پایان‌نامه و طرح پژوهشی، فصل چهارم: روش تدوین و تنظیم مقاله‌ی علمی - پژوهشی، و فصل پنجم: روش ارجاعات و استنادات پژوهش، پرداخته شده است و با این عناوین، به واقع نام پروپزال نویسی و یا پایایان‌نامه نویسی به زبان ساده، عنوانی گویاتر است.

#### ۴-۳. اعتبارسنجی منابع

اگرچه نویسنده‌ی کتاب سعی داشته‌است که اغلب کتاب‌هایی را که در موضوع بررسی روش تحقیق در ایران به نگارش درآمده ببیند، اما در برخی موارد منابع این کتاب بسیار ضعف دارد. در ادامه، نکاتی پیرامون این مدعا ذکر می‌شود.

نکته‌ی اول فقر منابع غیرفارسی است که استفاده از آن‌ها می‌توانست در برخی موارد بسیار راهگشا باشد. نویسنده فقط از یک منبع انگلیسی بهره گرفته است؛ این در حالی است که از ترجمه‌ی همان کتاب (طراحی پژوهش‌های اجتماعی) نیز استفاده کرده است و چنین به نظر می‌رسد که در متن عملاً از ترجمه کتاب استفاده شده است.

نکته دوم که بسی مهم‌تر است، استفاده از منابعی است که در برخی موارد جزء منابع دسته چندم هم حساب نمی‌آیند و از آنجایی که یکی از اصول ابتدایی روش تحقیق استفاده از منابع معتبر و اعتماد است، نویسنده می‌توانست منابع بهتر و اصیل‌تری را ببیند؛ در توضیح این مطلب باید گفت هر کسی آشنایی مختصری با نقد و نظریه ادبی و روش تحقیق داشته باشد، می‌داند که برای بررسی گفتمان و تحلیل گفتمان باید به مطالعه‌ی آثار اندیشمندانی مثل فوکو، فرکلاف، لاکلا و موفه و... بپردازد و یا کتاب‌هایی



که به تبیین انواع روش‌های گفتمانی پرداخته است؛ و یا در بحث ساختارگرایی یا نشانه‌شناسی و... ضروری است به آثار و نظریات علمای این رویکردها، کسانی چون یاکوبسن، پیرس و... رجوع کرد؛ اما با کمال تعجب در این کتاب شاهدیم که منبع اصلی مؤلف در تمام این مباحث، کتابی است با عنوان «پروپزال نویسی در مطالعات کیفی و ترکیبی» اثر حکیم زاده و عبدالملکی که به هیچ وجه منبع موثق و معتبری در زمینه‌های مطرح شده نیست و همین امر سبب شده است که بسیاری از مطالبی که پیرامون تحلیل گفتمان، ساختارگرایی و... در این کتاب آمده است نه تنها ابتر، بلکه در برخی موارد نادرست باشند.

در برخی موارد نیز از نقل قول‌هایی استفاده می‌شود اما هیچ منبعی ذکر نمی‌شود: «فرضیه: «فرضیه در حقیقت راه حل پیشنهادی پژوهش‌گر برای پاسخ‌گویی به مسأله است» فرضیه همان مطلبی است که پژوهش‌گر باید آن را در پژوهش خود روشن نماید.» (همان: ۴۹)

و یا پایان نقل قول و نویسنده آن مشخص نیست. (رک: همان: ۸۶)

#### ۴-۴. ایجاز بیش از حد مطالب و طرح ژورنالیستی برخی موارد

اگرچه ایجاز به خودی خود امری ناپسند نیست و اگر در جای خود رعایت شود یکی از شگردهای بلاغی به حساب می‌آید، اما به نظر می‌آید ایجاز این کتاب در برخی موارد، ایجازی منحل است و به همین سبب، یکی از کاستی‌های این کتاب، ایجاز آزار دهنده‌ی آن می‌باشد. اگر خواسته باشیم دلیلی برای مدعای خود آورده باشیم، باید به مبحث «پژوهش‌های کیفی» اشاره کرد؛ نویسنده‌ی کتاب در این قسمت با آوردن عنوانی با نام «مهم‌ترین پژوهش‌های کیفی» به معرفی روش‌های ۱- پژوهش تحلیل محتوا ۲- تحلیل کیفی گفتمانی ۳- تحلیل کیفی هرمنوتیکی ۴- تحلیل نشانه‌شناسی ۵- تحلیل کیفی ساختارگرایی ۶- پژوهش‌های فرهنگی (قوم‌شناسی و قوم‌نگاری) پرداخته است. نکته‌ی قابل توجه این است که تمام این مطالب مهم و گسترده در پنج صفحه خلاصه می‌شود در حالی که به سبب اهمیت این روش‌ها و ضرورت آشنایی دانشجویان ادبیات فارسی با آن‌ها می‌بایست به صورت گسترده‌تر و با توضیحاتی بیشتر ارائه می‌شد. این بیان ژورنالیستی و اختصار بیش از حد، نتیجه‌ای جز عدم بیان حق مطلب و سردرگمی برای خوانندگان به همراه ندارد. برای مثال برای ذکر یکی از مصداق‌های این اشکال،

می‌توان به بحث «تحلیل کیفی ساختارگرایی» اشاره کرد. تمام مواردی که نویسنده پیرامون تحلیل ساختارگرا در این کتاب می‌آورد در دو پاراگراف زیر خلاصه می‌شود:

«**تحلیل کیفی ساختارگرایی:** منظور از پژوهش ساختارگرایی (به ویژه در ادبیات فارسی) بررسی عناصر و مواد تشکیل دهنده بیکم‌متن است. بررسی نظام متن از بُعد تمام عناصری که آن را تشکیل داده‌اند ساختارگرایی نام دارد. متون ادبیات فارسی از عناصر مختلف فکری و لفظی تشکیل شده است لذا ساختار متن به معنای عوامل ابتدایی و مبنایی و فکری و لفظی و حتی اقتباس‌هایی است که یک متن را به وجود آورده است یعنی عوامل برون‌متنی و درون‌متنی. بنابراین بهتر است محور اصلی در پژوهش مشخص شود آیا عوامل برون‌متنی مورد بررسی است یا درون‌متنی؟

«ساختارگرایی رویکردی در مطالعات است. برای مثال ساختار یک کتاب را می‌توان به عنوان نظامی در نظر گرفت که شامل عناصر مختلفی است که در ساختار خاصی مانند فصول، فهرست مطالب، صفحات، محتوا و منابع سازمان یافته‌اند. بر مبنای نظری ساختارگرا، معنای هر یک از این عناصر را تنها با عنایت به ارتباط آن‌ها با یکدیگر می‌توان تعیین نمود» (حکیم زاده و عبدالملکی، ۱۳۹۱: ۸۱). «(صادقی، ۱۳۹۴: ۸۸-۸۷).

این توضیح پیرامون روش ساختارگرایی فاقد غنای کافی بوده و بسیار مختصر و گذرا بیان شده است. همچنین به سبب این که هیچ مدل و نمونه‌ای نیز ارائه نشده است پرسش‌های بسیاری را در ذهن خوانندگان ایجاد می‌کند و باعث عدم فهم مناسب و عمیق مفاهیم می‌شود. لازم به ذکر است که این ایراد در موارد دیگری که در باب «انواع پژوهش‌های کیفی» گفته شده نیز به قوت خود باقی است.

#### ۴-۵. جامع نبودن مطالب

یکی دیگر از کاستی‌های این کتاب، عدم جامعیت آن است؛ بدین معنا که برخی از مطالب از قلم افتاده و مطالب ذکر شده نیز بسیار ناقص است. در این قسمت به سبب محدودیت این جستار، تنها به دو مبحث «تحلیل کیفی گفتمان» و «تحلیل نشانه‌شناسی» بسنده می‌شود.

#### ۴-۵-۱. تحلیل گفتمان

یکی از شایع‌ترین اصطلاحات در زبان علمی امروز، اصطلاح گفتمان است. اصطلاحی که به دلیل کاربرد فراوان، کم‌کم وارد زبان روزمره نیز شده است؛ اصطلاحی که

سیالیت آن، تعریفش را با دشواری روبرو ساخته و سبب تشتت تعاریف در نزد محققان گردیده است (یورگنس و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۷)؛ مثلاً به نظر امیل بنونسیت، اسطوره-شناسی که برای نخستین بار معنایی خاص به این واژه داد (مک دانل، ۱۳۸۰: ۲۰)، «گفتمان را باید با توجه به آن وجوهی از زبان در نظر گرفت که تنها با ارجاع به شخص گوینده به موقعیت زمانی - مکانی او یا به دیگر متغیرهایی از این دست که در جهت مشخص ساختن زمینه تخصیص یافته سخن عمل می‌کنند، قابل تأویل خواهند بود» (نوریس، ۱۳۸۶: ۵۳۵). در حالی که دیگران با توجه به رشته خویش، تعاریفی دیگر از آن به دست خواهند داد.

در بحث تحلیل گفتمان باید به نکاتی توجه داشت؛ ابتدا این‌که «نقطه‌ی شروع رویکردهای تحلیل گفتمان همان ادعای فلسفه‌ی زبانی ساختارگرا و پساساختارگراست؛ یعنی این‌که دسترسی ما به واقعیت از طریق زبان است. ما به کمک زبان بازنمایی‌هایی از واقعیت خلق می‌کنیم که به هیچ وجه بازتابی از یک واقعیت از پیش موجود نیستند. در حقیقت، زبان در برساختن واقعیت نقش دارد. این بدان معنا نیست که واقعیتی وجود ندارد؛ معانی و بازنمایی‌ها امور واقعی‌اند. پدیده‌ها نیز وجود دارند، اما صرفاً از طریق گفتمان معنی پیدا می‌کنند» (یورگنس و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۲۹). نکته‌ی دیگری که در بحث از گفتمان و تحلیل گفتمان باید به آن اشاره کرد این است که با وجود غامض بودن این مبحث، چند رویکرد تحلیل گفتمان وجود دارد که بیشترین کاربرد را در حوزه‌ی علوم انسانی و اجتماعی داشته، اکثر پژوهش‌ها بر اساس آن رویکردها صورت می‌گیرد که عبارتند از: روش فوکو، فرکلاف و لاکلا و موفه. این رویکردها با تمام تفاوت‌هایی که با هم دارند، در برخی مفاهیم با هم مشترکند؛ برای مثال، قدرت چگونگی شکل‌گیری آن، مشروعیت‌یابی و تداوم آن نیز تحلیل اراده‌های معطوف به قدرت، محور توجه گفتمان و تحلیل‌های گفتمانی است.

شگفت این است که نویسنده‌ی کتاب «روش تحقیق به زبان ساده» هیچ‌یک از این موارد را لحاظ نمی‌کند و از هیچ‌یک از نظریات و رویکردهای تحلیل گفتمان نیز، نام نبرده و توضیحی ارائه نمی‌دهد؛ عجیب‌تر این‌که تحلیل گفتمان را به عوامل تأثیرگذار بر گفت و گوی دو نفر تقلیل داده و بحث خود را این گونه شروع می‌کند:

«تحلیل کیفی گفتمان: معنای اصطلاحی آن بررسی عوامل تأثیرگذار بر گفت و گوی میان دو نفر است» تحلیل گفتمان به عنوان یک روش پژوهشی مطالعه‌ی قواعد اعمال گفتاری میان دو نفر است» (حکیم زاده و عبدالملکی، ۱۳۹۰: ۸۲) ... در پژوهش تحلیل

گفتمانی پژوهش‌گر عوامل و مبانی و زمینه‌هایی را بررسی می‌کند که از خارج بر متن حاکم شده و متن را شکل داده است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که این نوع پژوهش هم از نوع پژوهش‌هایی است که در ادبیات فارسی و رشته‌های ذکر شده کاربرد فراوان دارد» (صادقی، ۱۳۹۴: ۸۴).

همان‌گونه که در بحث منابع گفته شد، استناد نویسنده به منابع غیرمعتبر و ناآشنا به مباحث گفتمانی سبب این نگاه و برداشت - که اشتباهات فاحشی نیز به همراه دارد - شده است؛ در توضیح این امر باید گفت «در بررسی اصطلاح گفتمان باید به یاد داشت که این واژه، مترادف با زبان نیست و نباید گمان کرد که رابطه‌ی ساده‌ای میان گفتمان و واقعیت برقرار است. گفتمان صرفاً واقعیت را در قالب زبان ترجمه نمی‌کند؛ گفتمان را باید نظامی دانست که شیوه‌ی درک ما از واقعیت را شکل می‌دهد» (میلز، ۱۳۸۹: ۹۳) به عبارت دیگر، «در بسیاری از موارد، منظور از گفتمان این است که زبان در چارچوب قالب‌هایی ساختاربندی شده است و مردم، در هنگام مشارکت در حوزه‌های مختلف اجتماعی، در گفتار خود از این قالب‌ها تبعیت می‌کنند و تحلیل گفتمان، تحلیل این قالب‌هاست» (یورگنس و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۳۶). بنابراین نگاهی که نویسنده به گفتمان دارد و آن را بررسی عوامل تأثیرگذار بر گفت و گوی دو نفر می‌پندارد با اشکال همراه است. همچنین باید به یاد داشت که تحلیل گفتمان، فقط بررسی و پژوهش عواملی که از بیرون بر متن حاکم شده نیست؛ بلکه تحلیل گفتمان، چگونگی تبلور و شکل‌گیری معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون‌زبانی واحدهای زبانی، محیط بلافصل زبانی مربوط و نیز کل نظام زبانی و عوامل برون‌زبانی بررسی می‌کند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۸).

#### ۴-۵-۲. تحلیل نشانه‌شناسی

با کمال تعجب شاهد آن هستیم که آنچه در باب تحلیل نشانه‌شناسی در کتاب مورد بررسی گفته شده است، از چند سطر تجاوز نمی‌کند:

«تحلیل نشانه‌شناسی: فهم نمادها و نشانه‌ها و علامت‌ها است «نشانه‌شناسی مفاهیم و فنون مختلفی را برای مطالعه‌ی نظام‌های علائم و ارتباط آن‌ها با رفتار انسان ابداع کرده است.» (حکیم زاده و عبدالملکی، ۱۳۹۰: ۸۱) بر اساس تئوری نشانه‌ها، همه‌ی ابزارها و وسایل و علامت‌ها می‌توانند مانند زبان، مفاهیم را منتقل کنند و معنادار باشند. از این

رو روش نشانه‌شناسی در سینما و تئاتر یا شعر می‌تواند بسیار کاربرد داشته باشد.» (صادقی، ۱۳۹۴: ۸۶)

این بیان بسیار مختصر و آشفته نه تنها قادر نیست هیچ‌گونه کمکی به خواننده کتاب کند، بلکه سبب بدفهمی نیز خواهد شد؛ خواننده‌ی ناآشنا با نشانه‌شناسی و رویکردها و اصول آن، با خواندن این مطلب کوتاه ممکن است به این گمان بیفتد که نشانه‌شناسی یک شیوه‌ی واحد است. در حالی که دانش نشانه‌شناسی اگرچه بر اساس نظریه‌های زبان‌شناس معروف سویسی فردینان دو سوسور و فیلسوف آمریکایی، چالز ساندرز پیرس بنا شد، اما در ادامه رویکردهای خاص و متفاوتی در این دانش شکل گرفت و صاحب‌نظرانی چون گرماس، بارت، اکو و... به روش‌هایی متفاوتی از این شیوه استفاده کردند. به همین سبب یکی پنداشتن دانش نشانه‌شناسی با یک رویکرد خاص سبب سوءبرداشت می‌شود و یا به این فرض غلط منجر می‌شود که بپنداریم نشانه و مفاهیم مربوط به آن نوعی همگونی اصطلاح‌شناسانه و روش‌شناسانه را تضمین می‌کند. (زیما، ۱۳۹۰: ۱۶۵)

همچنین نویسنده کتاب با وجود بیان مفاهیم و فنون مختلف نشانه‌شناسی هیچ توضیحی درباره‌ی آن‌ها ارائه نمی‌دهد و فقط به انتقال مفاهیم و معناداری آن‌ها در رویکرد نشانه‌شناسی و این‌که ابزارها، وسایل و علامت‌ها هم مفاهیم را انتقال داده، معنادار می‌باشند، اشاره می‌کند؛ در حالی که «پرسش اصلی نشانه‌شناسی این است که معناها چگونه ساخته می‌شوند و واقعیت چگونه بازنمایی می‌شود.» (چندلر، ۱۳۸۶: ۲۵) به بیانی دیگر، مسأله اصلی نشانه‌شناسی این نیست که واژه‌ها چه معنایی دارند، بلکه نکته این است که واژه‌ها چگونه معنا می‌شوند. (مک کوئیلان، ۱۳۸۴: ۳۰) بر این اساس، نشانه‌شناسی مطالعه‌ی نظام‌مند همه‌ی عواملی است که در تولید و تفسیر نشانه‌ها یا در فرایند دلالت شرکت دارند. (مکاریک، ۱۳۸۴: ۳۲۶) اما نویسنده به هیچ‌یک از این موارد اشاره نمی‌کند و همین امر سبب می‌شود که از غنای لازم برای انتقال این رویکرد به خواننده برخوردار نباشد.

## ۵. نتیجه‌گیری

متأسفانه با وجود تأکیدی که امروزه بر روش تحقیق و به کارگیری صحیح آن در حوزه‌های مختلف علوم وجود دارد، تا جایی که اصالت یک پژوهش را وابسته به روش‌شناسی آن می‌دانند، شاهد بی‌توجهی و کم‌تر پرداخته شدن به این مبحث و شیوه-

ها و اصول آن در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی هستیم. از این روی، کتابی چون «روش تحقیق به زبان ساده» با تمام نکات ضعف و اشکالاتی که دارد، کتابی است در خور توجه؛ چرا که می‌تواند یک نقطه‌ی عطف باشد و الگویی برای تحقیقات و پژوهش‌های بعدی در این رشته قرار گیرد.

نکته‌ای که پیرامون این کتاب باید گفت این است که مانند اغلب کتاب‌ها و منابع آموزشی‌ای که در این زمینه به نگارش درآمده‌اند، در حد مقدمات تحقیق مانند تعریف، انواع و اقسام تحقیق، تعریف مسأله، نگارش پیشینه، روش فیش‌برداری و... باقی مانده است. نکاتی که اگرچه دانستن آن‌ها برای دانشجویان ادبیات فارسی - همانند دانشجویان دیگر رشته‌ها- ضروری است، اما کافی نیست و پژوهش‌هایی که در آینده در این زمینه نوشته می‌شود باید به بیان مطالبی فراتر از آنچه در درسنامه‌ها آمده، پردازند و این اشکال را مرتفع سازند. چنین به نظر می‌رسد که پرداختن و تبیین صحیح و منطقی رویکردهای کیفی‌ای که بتواند در حوزه‌ی زبان و ادبیات فارسی راهگشا باشد، یکی از راهکارهایی است که می‌توان به این امر دست یافت. نکته‌ای که نویسنده‌ی کتاب «روش تحقیق به زبان ساده» نتوانسته است به آن دست یابد؛ در توضیح این ادعا باید گفت که یکی از ضعیف‌ترین قسمت‌های این کتاب، بخشی است که به بیان روش‌های کیفی پژوهش می‌پردازد و چنین به نظر می‌رسد که بیش از آنچه سودمند باشد و پژوهشگران را با رویکردهای کیفی آشنا کند، ممکن است به سبب بیان بسیار مختصر و ناقص و استفاده از منابع نامعتبر، به عکس عمل کرده و آن‌ها را از شناخت درست و منطقی شیوه‌های کیفی بازدارد و به اشتباه افکند.

### پی‌نوشت

۱. کمتر کتابی در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی به نگارش درآمده است که مختص بررسی روش تحقیق در این رشته باشد و از دیرباز تاکنون بحث پیرامون تحقیق، انواع و روش‌های آن در کتاب‌های مرجع شناسی صورت گرفته است؛ کتاب‌هایی چون: مرجع شناسی و روش تحقیق از دکتر عباس ماهیار؛ روش تحقیق و شناخت مراجع ادبی از محمد غلامرضایی؛ روش‌های و مهارت‌های تحقیق در ادبیات و مرجع‌شناسی از احمد رضی و ...

### کتاب‌نامه

ایمان، محمدتقی (۱۳۹۱/الف). فلسفه روش تحقیق در علوم انسانی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

#### نقد و تحلیل کتاب روش تحقیق به زبان ساده ۴۵

- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۱/ب). روش‌شناسی تحقیقات کیفی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بورجیج، ویلیام بردمور (۱۳۸۶). هنر تحقیق علمی، ترجمه‌ی محمدتقی فرامرزی، چاپ اول، تهران: انتشارات مازیار.
- چندلر، دانیل (۱۳۸۶). مبانی نشانه‌شناسی، ترجمه‌ی مهدی پارسا، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- رضی، احمد (۱۳۹۴). روش‌ها و مهارت‌های تحقیق در ادبیات و مرجع‌شناسی، تهران: انتشارات فاطمی.
- زیما، پیتر وی (۱۳۹۰). فلسفه نظریه ادبی مدرن، ترجمه‌ی رحمان ویسی حصار و عبدالله امینی، تهران: رخداده نو.
- صادقی، مریم (۱۳۹۴). روش تحقیق به زبان ساده: زبان و ادبیات فارسی، تهران: نگاه معاصر.
- طاهری، قدرت‌الله (۱۳۹۵). مبانی و اصول پژوهش در زبان و ادبیات فارسی، تهران: نشر علمی.
- عبداللهی، عبدالله و جعفر جوان (۱۳۸۹). درآمدی بر فلسفه علم و پژوهش در علوم انسانی، تهران: چاپار.
- غلامرضایی، محمد (۱۳۹۴). روش تحقیق و شناخت مراجع ادبی، تهران: زوآر.
- فتوحی، محمود (۱۳۸۵). آیین نگارش مقاله علمی - پژوهشی، تهران: سخن.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه‌ی فاطمه شایسته پیران و دیگران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- ماهیار، عباس (۱۳۸۷). مرجع‌شناسی ادبی و روش تحقیق، تهران: نشر قطره.
- مک دانل، دایان (۱۳۸۰). مقدمه‌ای بر نظریه گفتمان، مترجم حسینعلی نوذری، تهران: فرهنگ گفتمان.
- مک کوئیلان، مارتین (۱۳۸۴). پل دومان، ترجمه‌ی پیام دانشجو، تهران: نشر مرکز.
- مکاریک، ایرنا ریما (۱۳۸۴). دانش‌نامه‌ی نظریه‌های ادبی معاصر، ترجمه‌ی مهران مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگه.
- میلز، سارا (۱۳۸۹). میشل فوکو، ترجمه‌ی دایوش نوری، تهران: نشر مرکز.
- میلز، سارا (۱۳۸۸). گفتمان، مترجم فتح محمدی، چاپ دوم، زنجان: هزاره‌ی سوم.
- میمندی، وصال و نعیمه خبازی اشرف (۱۳۹۴). «الصرف ۱ در ترازوی نقد»، پژوهش‌نامه انتقادی متون، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پانزدهم، شماره‌ی اول، صص ۱۶۷-۱۸۵.
- نوریس، کریستوفر (۱۳۸۶) «گفتمان/سخن»، فرهنگ اندیشه‌ی انتقادی، ویراسته مایکل پین، ترجمه‌ی پیام یزدانجو، تهران: مرکز.
- یورگنس، ماریان و لوئیز فیلیپس (۱۳۸۹). نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه‌ی هادی جلیلی، تهران: نشر نی.